

خاندان جمال الاسلام یزدی

بمناسبت انتشار کتاب «همایون نامه»

آقای رکن‌الدین همایون‌نفرخ از روی نسخه‌ای خطی از «همایون نامه» تألیف محمد بن علی بن جمال الاسلام مشهور به «شهاب منشی» که خود در تملک دارند متن را بطور حرفی در سلسله انتشارات دانشگاه ملی ایران انتشار داده‌اند. (۱)

آنچه ایشان در مقدمه خود بر کتاب در باب احوال مؤلف و پدرش مرقوم داشته‌اند منحصرست به اطلاعی از پدر مؤلف (یعنی علی بن جمال الاسلام) که مؤلف کتابی در فتوحات امیر تیمور بوده است و بر اساس نسخه‌ای از آن که در کتابخانه مجلس شورای ملی (۲) موجود است عباراتی چند از خطبه آن را که در آن نام مؤلف مذکور آمده‌است نقل کرده‌اند. ضمناً نوشته‌اند که در «همایون نامه» مکتوبی به انشاء این علی بن جمال الاسلام خطاب به سعدالدین تغتازانی از زبان شاه یحیی مظفری هست و در آن لقب علی و پدرش غیاث‌الدین و معین‌الدین آمده‌است.

بنا بر این شایسته است اطلاعات دیگری که در مورد شهاب‌الدین محمد منشی یعنی مؤلف «همایون نامه» و غیاث‌الدین علی یزدی پدر مؤلف «همایون نامه» که خود مؤلف «فتوحات امیر تیمور» بوده است و بالاخره معین‌الدین جمال الاسلام یعنی جد مؤلف همایون نامه درمصادر آمده‌است جهت تکمیل نوشته آقای همایون‌نفرخ گفته آید.

مقدمه لازم به تذکار است که مراد از نسخه خطی «فتوحات امیر تیمور» کتابی است که محققان تاریخ تیمور در شصت هفتاد سال اخیر می‌شناخته‌اند و به «روزنامه غزوات هندوستان» شهرت گرفته و بار تولد آن را از روی نسخه‌ای مورخ به سال ۱۰۱۵ در سال ۱۹۱۵ میلادی در پطروغراد به چاپ رسانیده است.

استوری C. A. Storey در کتاب «تألیف فارسی» (جلد اول، ص ۲۷۸) نام این کتاب

- ۱ - تهران، ۱۳۵۷، وزیری ۳۶+۳۲۸ ص (انتشارات دانشگاه ملی ایران، ش ۱۲۵)
- ۲ - این همان نسخه‌ای است که مورخ ۸۶۸ هجری است و به شماره ۱۶۳۹۲ در کتابخانه مجلس شورای ملی محفوظ است (یادداشت محمد تقی دانش پژوه). آقای دانش پژوه یادآور شدند نسخه‌ای هم در مجموعه نسخ خطی محمود شیرانی در لاهور موجودست (جلد اول فهرست آن کتابخانه).

را ضبط کرده است و از نسخه‌ای که در تاشکند موجود بوده است (به استناد مقاله کاله Kahl) یاد می‌کند و می‌نویسد که این کتاب از مآخذ ظفر نامه‌های شاهی و یزدی بوده است. بارتولد هم در کتاب مشهور «ترکستان» همین مطلب را گفته است (ترکستان، ص ۵۴).

اطلاعات اصلی ما راجع به سرنسل این خانواده یزدی نکاتی است که در تاریخ یزد تألیف جعفر بن محمد بن حسن جعفری (تألیف قرن نهم) و تاریخ جدید یزد تألیف احمد بن حسین بن علی کاتب (تألیف نیمه دوم قرن نهم) مندرج است.

الف - نکته مهم در احوال این خاندان آن است که سلسله نسب آنها به یکی از بزرگان مشایخ و پیران طبقات صوفیه یزد موسوم به جمال الاسلام ابی سعید محمد بن احمد بن مهر یزد می‌رسد و وفات او را ۴۸۰ هجری نوشته‌اند (۱) و در ذیل احوال اوست که هر دو تاریخ یزد به احوال احفادش اشاره کرده‌اند جزین درخاتمه کتاب «روزنامه غزوات هندوستان» هم مصرحاً به منسوب بودن مؤلف کتاب (غیاث الدین علی) به شیخ جمال الاسلام اشاره شده است بدین عبارت: «تمام شد تاریخ این بزرگ و خاقان اعظم امیر تیمور گورکان انارالله برهانه از مؤلفات مولانای اعظم السعید علامه العلماء و الافاضل المتبحرین فی عصره و زمانه الواصل الی رحمة الله و غفرانه غیاث الحق والدین علی المنتهی نسبة العالی الی الشیخ الربانی والقطب الصمدانی الشیخ جمال الاسلام قدس الله سرهما» (۲) مقبره جمال الاسلام در سال ۷۸۴ هجری توسط غیاث الدین علی منشی عمارت شد. (۳)

ب - نکته مهم دیگر آن است که من در تجسسات خود در مقابر و مساجد میبد یزد به دو سنگ قبر بر خوردم که از آن دو نفر از احفاد جمال الاسلام مذکور بود و از روی نسب آن دو که بر سنگ قبورشان منقوس است مشخص و قطعی شد که میبیدی مؤلف تفسیر مشهور کشف الاسرار و عدة الابرار از خاندان جمال الاسلام محمد ... بن مهر یزد است (۴) بنابراین سه نفر دیگر از افراد این خاندان را که در قرن ششم هجری وفات کرده‌اند به نامهای مذکور در ذیل می‌شناسیم:

۱ - میبیدی مؤلف تفسیر کشف الاسرار

۲ -

۳ -

ج - بعد از سه شخص مذکور در فوق که در قرن ششم وفات کرده‌اند شخص دیگری را از این خاندان نمی‌شناسیم تا معین الدین جمال الاسلام محاسب که نامش در ذیل احوال جمال الاسلام محمد بن احمد آمده و مؤلف تاریخ یزد درباره او چنین نوشته است:

۱ - تاریخ یزد، ص ۱۲۱ - تاریخ جدید یزد، ص ۱۷۰ ۲ - روزنامه غزوات هندوستان

۳ - در یاد گارهای یزد، جلد دوم محل وقوع این بقعه تعیین شده است.

۴ - تفصیل این امر را در طی مقاله‌هایی آورده‌ام و در کتاب «یاد گارهای یزد» جلد اول (تهران، ۱۳۴) مندرج است.

« و مولانای اعظم معین‌الدین جمال‌الاسلام محتسب از فرزندان او بود و شعری نیکو داشت و پیش سلاطین و اکابر معزز بودی و ظریف و ندیم و خوش صحبت بودی و امور احتساب یزد سالها تعلق بدو داشت. » (۱) و از اشعار او آنچه در دست داریم چند بیت است که در باره چاهخانه دارالشفای یزد که توسط شمس‌الدین تازیکو در سال ۸۱۹ هجری در یزد بنا شد به امر صاحب دیوان جوینی گفته بوده است و مؤلفهای تاریخ یزد و تاریخ جدید یزد آن را در هشت بیت نقل کرده‌اند بدین مطلع :

زهی مقام همایون کز اعتدال هوا چو روزه آمده‌ای رلگشا و روح فرا
بسال هشتصد و نوزده بشد تازه ز فر بندگی آصف ملک سیما (۲)

این معین‌الدین هموست که مکتوبی از قلم پسرش در کتاب همایون نامه نقل شده است و در عنوان مکتوب که خطاب به سعدالدین تغتازانی است نام پدر نویسنده مکتوب «معین-الملة والدین جمال‌الاسلام» قید شده است. (۳)

از این معین‌الدین مکتوبی مفصل به شاه یحیی مظفری در دست است که یوسف اهل در مجموعه «فرائد غیائی» درج کرده است. (۴) نکته‌ای که درباره این نامه توان گفت این است که یوسف اهل نام نویسنده مکتوب را «معین‌الدین الیزدی» آورده است و ذکری از جمال-الاسلام ندارد.

۵ - فرزندان این معین‌الدین که به لقب و نام غیاث‌الدین علی (۵) بود از زبده‌منشیان و ادبای شهر یزد در قرن نهم هجری و مؤلف «روزنامه غزوات هندوستان» (یا فتوحات تیمور) است. آنچه در باب احوال او می‌دانیم مطالبی است که خود در مقدمه کتاب مذکور آورده است و مؤلفان تاریخ یزد و تاریخ جدید یزد به در باب او نوشته‌اند و مکتوبی که بقلم او در همایون نامه ضبط شده است.

ساختار دو تاریخ یزد ذیل احوال جمال‌الاسلام یکی از اولاد او را مولانا غیاث‌الدین علی منشی نوشته‌اند، «که افضل عصر بود و قاضی عادل و نزد سلاطین بنی مظفر بنایت معزز و مکرم بود و در سال اربع و ثمانین و سبعمائه عمارت مزار شیخ کرد و خانقاه عالی در جنب مقبره ونهری در خانقاه جاری کرد و ساباط. مروح بر در مزار ساز کرد و خان ابر قومیان مشهور را جهت مزار نزدیک آن ساباط ساز داد و وقف کرد.» (۶)

احمد کاتب می‌نویسد: «و در نسل او بسیار فاضلان در دین محمدی پیدا شدند مثل مولانای اعظم سعید غیاث‌الدین علی منشی که از فضلالی عصر بود - و مولانا شهاب‌الدین محمد - که سرآمد زمان خود بودند در انشاء و تواریخ و وقفه نیکو، و مزار مقدس جد

- ۱ - تاریخ جدید یزد، ص ۱۶۹ - ۱۷۰. ۲ - تاریخ یزد، ص ۱۵۵ - تاریخ جدید یزد، ص ۲۲۳. ۳ - همایون نامه، ص ۱۵۶. ۴ - فرائد غیائی، جلد اول، ص ۱۹۶ - ۲۰۳.
- ۵ - این غیاث‌الدین علی را نباید با سید غیاث‌الدین علی یزدی وزیر شیخ ابواسحاق اشتباه کرد که سید بوده است. ۶ - تاریخ یزد، ص ۱۲۱.

بزرگوارش او ساخته. چهار صفت عالی وطنی بزرگ که مدفن شیخ الاسلام است و پنجره‌های آهنین به طریق گشوده و نهر آب صواب در میان مدسه جاری کرده و سایاط رفیع منقش بر درگاه ساخته و قسیده سید حسن متکلم بر آن ثبت کرده ... و بر کتابه درگاه تاریخ نوشته و این عمارت در سال اربع و ثمانین و سیمائه تمام کرده . (۱)

از اشارات هر دو مؤلف برمی آید که غیاث الدین علی درقن قضا و علم فقه نیز دست داشت و اینکه نوشته‌اند نزد سلاطین مظفری معزز بود گواهی مکتوبی است که او از زبان شاه یحیی به تفتازانی نوشته است و در همایون نامه نقل شده است. (۲)

از این منقولات برمی آید که غیاث الدین علی بیجز بنای مزار جمال الاسلام خانقاهی هم ترتیب داد و خان ابرقومیان را برای مزار خود وقف کرد.

کار ماندگار غیاث الدین علی تألیف «روزنامه غزوات هندوستان» است که پیش ازین بدان اشاره شد. خود در سبب تألیف کتاب چنین نوشته است :

«... چون دارالعباده یزد به مقدم عالی یکی از مقربان حضرت و چاکران صادق نیت مشرف گشت دو رساله عربی و فارسی که نویسنده این حروف علی سبیل الارتحال انشاء کرده در نظر مبارک او آمد و در پایه سریر اعلی عرض کرد حکم صادر شد که جهت تاریخ بعضی از حروب که بندگی حضرت جهانگشای را اتفاق افتاده دیباچه فارسی نویسد و فتوحات متواتر که از مبداء عهد باز کرامت شد در فصلی مفرد مجملاً قلمی کرده بعد ذلک روزنامه غزوات هندوستان پیش گرفته جنگ نامه‌ها ببارتی از تکلف دور و به فهم نزدیک علی التفصیل شرح دهد. هر چند اکثر اوقات مستغرق علوم دینی بوده و در انشاء خطابیات کمتر خوض نموده اما به میان او امر علیه درین موقف خطیر شروع رفت ...» (۳)

ازین شرح اینطور مستفاد می شود که او در همان یزد به تألیف روزنامه غزوات هندوستان مأمور شد و جز آن دیباچه فارسی برای تاریخ بعضی از جنگهای دیگر تیمور نوشت که فعلاً خبری از آنها نداریم. ضمناً اشاره ای که به استغراق خود در علوم دینی و خوض کمتر در انشاء خطابیات می کند نشانی است از اینکه پیش از آنهم به کار انشاء مشغول بوده است کما اینکه در همایون نامه مکتوبی از او نقل شده است که او از زبان شاه یحیی مظفری برای مولانا - سعدالدین تفتازانی نوشته بوده است.

در خاتمه روزنامه غزوات هندوستان عباراتی آمده است که کسی پس از وفات مؤلف و قبل از وفات شاهرخ (یعنی سال ۸۵۰) و در زمان حیات فرزند مؤلف نوشته و حاوی اطلاعاتی مفید است ، بدین عبارت :

«تمام شد تاریخ امیر بزرگ و خاقان اعظم امیر تیمور گورکان انارالله برهانه از مؤلفات مولانای اعظم السعید علامه العلماء و الافاضل المتبحرین فی عصره و زمانه الواصل

۱ - تاریخ جدید یزد، ص ۱۶۹ ۲ - همایون نامه، ص ۱۵۸ ۳ - روزنامه غزوات هندوستان، ص ۱۳ (این مطالب قریب دو صفحه پس از مطالبی است که آقای همایون فرخ از آن نقل کرده‌اند) .

الی رحمة الله وغفرانه غياث الحق والدين على المنتهى نسبة المالی الی الشيخ الربانی والقبط
الصمدانی الشيخ جمال الاسلام قدس الله سرهما .

و تاریخ مبارک تا آنجاست که فتح هندوستان شده . بعد از این اگر توفیق رفیق و
تدبیر موافق تقدیر آید کیفیت قنب بلاد شام و روم که در عهد حضرت خاقان سعید بوده و
فتوحات ارجمند که در زمان بندگی حضرت خلافت پناه سلطان سلاطین عالم اعدل خواقین
ام ظل الله فی الارضین معین الحق والدين اميرزاده شاهرخ بهادر سلطان خلدالله ملکه و سلطانہ
روی نموده خلف الصدف مصنف این تاریخ مولانای اعظم مؤید صنادید الملماء فی العالم وحید
العصر فی الزمان مولانا شهاب الدین محمد منشی سلمه الله تعالی مشروح و مبسوط در سلك عبارت
خواهد آورد . ان شاء الله وحده العزیز و التوفیق فی اتمام هذا المرام من الله المهیمن العلام
وصلی الله علی خیر خلقه ...

هـ - بالاخره آخرین فرد این خانواده که نامش در کتب بمنوان منشی آمده است
شهاب الدین محمد فرزند غیاث الدین علی مذکور در قبل است که او را بمناسبت انتشار کتاب
«همایون نامه» اش به ترمی توان شناخت.

جعفری در تاریخ یزد گفته است : «مولانا شهاب الدین محمد (۱) پسر او از اکابر
دین بود و تصانیف بسیار دارد . از انشاء او شرح حاوی و غیره است .» (۲) و احمد کاتب
نوشته است : «و از نسل او بسیار فاضلان در دین محمدی پیدا شدند مثل ... و مولانا شهاب-
الدین محمد ...» (۳) و در ذیل مزار فخر الدین پیر خواجه گفته است «و چون وفات کرد
او را در خانقاه مولانای اعظم سعید شهاب الدین محمد منشی علیه الرحمه دفن کردند.» (۴)
در «همایون نامه» او منحصراً اسم خود را محمد آورده و به شهرت خود «شهاب منشی»
اکتفا کرده است . اما به استناد مدارک مذکور در فوق معلوم است که لقبش شهاب الدین بود-
است همانطور که یوسف اهل هم در کتاب «فرائد غیائی» نام او را «مولانا شهاب الملک والدین
المنشی الیزدی» قید کرده است (۵) و در خاتمه روزنامه غزوات هندوستان هم شهاب الدین
آمده است (۶) این شهاب الدین منشی مؤلف همایون نامه در کتاب خود متن مکتوبی را
آورده است که از زبان امیرزاده پیر محمد والی شیراز به ملک هرموز نوشته است (۷) و
نشانی است از اینکه در دستگاه آن امیرزاده سمت منشی داشته است.

دیگر نامه ای است که از زبان نصره الدین پیر احمد به یکی از سلاطین لر نوشته است (۸)

- ۱ - در چاپ من به غلط «علی» ضبط شده است (ص ۱۲۱) ۲ - تاریخ یزد ، ص ۱۲۱ .
- ۳ - تاریخ جدید یزد ، ص ۱۶۹ . ۴ - تاریخ جدید یزد ، ص ۱۹۱ . ۵ - فرائد غیائی ، جلد
اول ، ص ۱۷ . ۶ - روزنامه غزوات هندوستان . ۷ - همایون نامه ، ص ۶۰ .
- ۸ - همایون نامه ، ص ۸۰ .